

یکشنبه ۱۶ آذر ۱۴۰۴

وطن امروز | شماره ۴۴۸۱

ورزشی

گزارش

استقلال و پرسپولیس به سلامت داریی را پشت سر گذاشتند!

محتاط، طبق انتظار



یک روز قبل از شهرآورد در همین صفحه نوشتیم اتفاقا بنا به جایگاه جدولی استقلال و پرسپولیس و فاصله تک امتیازی‌شان و برعکس برخی پیش‌بینی‌ها،احتمال ارائه یک بازی محتاطانه از سوی ۲ تیم مدعی و پرهزینه زیاد است و آنچه در داریی ۱۰۶ شاهد بودیم خود دلیل این مدعا شد. اگر بخوایم شرحی فنی از مهم‌ترین بازی لیگ برتر ایران بیان کنیم، آ یا جز این موارد چیزی برای گفتن خواهیم داشت؟

۱- دو ضربه ارونوف که در دستان آدان قرار گرفت.
۲- ضربه کوشسکی که پیام نیازمند دفع کرد و چند حرکت تکنیکی او
۳- شوت‌های حردانی و یاسر آسانی که از کنار دروازه پرسپولیس به بیرون رفت.
۴- شوت رزاقی‌نیا که نیازمند مهار کرد.
۵- ضربه سحر خیزان که باز با دفع سنگریان قرمزها توام شد.

۶- شوت اسماعیل قلی‌زاده که در درون هجدمقدم فضای بالای دروازه پرسپولیس را شکافت.
۷- شوتی که پیغوما درون محوطه جریمه استقلال زد و از روی دیرک افقی دروازه این تیم راهی خارج شد. این ۸ مورد تنها اتفاقات نسبتا مهم یکصد و ششمین داریی پایتخت بوده دیدار ۲ تیم هزاردان میلیاردری استقلال و پرسپولیس که «گل بازی‌ها»ی فوتبال ما محسوب می‌شود، بدون رد شدن حتی یک توپ از خط دروازه‌ها ولو به صورت مردود!!

گویا به ۲ تیم برای حفظ آرامش خود به نتیجه مساوی راضی بودند، فقط شاید با درصد اندکی تفاوت. «ریکاردو سالینتو» که صحبت از شکست پرسپولیس پس از ۲۸۳۷ روز کرده بود، نتوانست وعده خویش را عملی کند و اسباب حصول آن را نیز به درستی فراهم نساخت. هر چند انجام ۲ بازی بیشتر نسبت به قرمزپوشان، قبل از این بازی و فرصت‌سوزی شاگردانش هم در این عدم حصول تاثیر داشت ولی او با بازی دادن به منیر مصدومی که تنها در تمرین روز آخر استقلال شرکت داشت، عملا ۷۰ دقیقه تیش را ۱۰۰ نفره کرده بود.واقعاچه دلیل محکمی پشت این تصمیم قرار داشت؟ اگر بحث روحی - روانی در کار باشد که همگان در همان ۲۰ دقیقه ابتدایی از کم‌تحرکی وی و عدم نقش و مداخله جدی‌اش در بازی به تلاوم مصدومیت ستاره خارجی آبی‌پوشان پی برده بودند، پس تعلل در تعویض یک بازیکن بی‌اثر و سردرگم در میدان، آن هم در دیداری در سطح داریی، چه نتیجه‌ای در پی داشت؟

پرسپولیس را می‌توان نسبت به کسب نتیجه تساوی، تیم راضی‌تر میدان دانست، زیرا اینگونه بر مدت زمان ۷ سال و ۷ ماه «بیاختن در جریان بازی» مقابل رقیب دیرینه‌اش افزود که خود یک امتیاز روانی ویژه به شمار می‌رود و از طرفی هم برای «اوسمار ویرا» سرمربی قرمزپوشان، در سومین بازی‌ای که این تیم را هدایت می‌کرد نتیجه قابل قبول و روحیه‌انگیزی محسوب می‌شود؛ ۳ بازی بدون شکست که یکی از آنها داریی بود و کسب ۷ امتیاز از ۹ امتیاز ممکن.

۲ رقیب سنتی با تقسیم امتیازات، داریی را به سلامت و فارغ از تبعاتی که شکست می‌توانست برای‌شان به بار آورد، پشت سر گذاشتند تا زین‌پس قرمزپوشان منتظر لغزش استقلال برای تصاحب رتبه دوم جدول باشند و آبی‌پوشان مترصد لغزش سپاهان تا بتوانند مجددا صدر جدول را پس بگیرند و در انتظار داریی بعد برای شکستن طلسمی که عملا با توجه به زمان احتمالی باقیمانده تا دیدار برگشت، ۸ ساله شا!

خبر

گلایه حدادی از برگزاری مسابقه دو ماراتن بدون مجوز در کیش

رئیس فدراسیون دوومیدانی این‌بار نه با مدال و رکورد، بلکه با انتقاد و گلایه روی سسکو رفت. ماجرا مربوط به ماراتن کیش است؛ رقابتی که بدون هماهنگی رسمی با فدراسیون برگزار شد و به دلیل ساختار شکنی‌های اخلاقی ناپسند و غیرشرعی با موجی از بحث و انتقاد روبه‌رو است. احسان حدادی می‌گوید همه چیز قابل حل بود؛ اگر گوش شنوایی وجود داشت.

او توضیح می‌دهد ۳ ماه قبل از مسابقه با مدیران مناطق آزاد جلسه داشته و حتی از آمادگی کامل فدراسیون تحت مدیریتش برای مشارکت گفته؛ هدفش هم روشن بوده: رعایت اصول حرفه‌ای امنیت ورزشکاران و برگزاری استاندارد کار رویداد رسمی اما به گفته حدادی، پیگیریه‌ها به نتیجه نرسید و هشدارها جدی گرفته نشد. نه مجوزی گرفته شد، نه هماهنگی‌ای انجام.نتیانه‌نتیجه، مسابقه‌ای بود که در تقویم ثبت شد اما پشت صحنه‌اش پر از علامت سؤال. حدادی معتقد است وقتی هشدار داده شد اجرای مسابقه باید طبق قانون باشد، مسؤولان منطقه آزاد باید تعامل می کردند، نه اینکه ورزشکاران را مستقل و بدون تاییدیه فدراسیون روی خط شروع بفرستند.حالا که اعتراض‌ها بالا گرفته‌وی در انتظار دارد برگزار کنندگان خودشان وارد میدان پاسخگویی شوند و درباره تصمیم‌شان توضیح دهند. او تاکید می‌کند هدف فدراسیون لغو رویداد باسگندازی نیست؛اتفاقای خواهند ماراتن و مسابقات خیابانی توسعه پیدا کند اما با «ظلم، مجوز و امنیت». بدون اینها، هر ۲۶ مایل دویدن می‌تواند با یک اشتباه کوچک، نتیجه‌ای درنداک داشته باشد. حدادی توپ را به زمین برگزار کنندگان انداخت: تصمیم با شما بود، حالا پاسخش هم بر عهده خودتان است.

نگاهی به گروه ایران در جام جهانی ۲۰۲۶ فوتبال؛ هم گروهی با بلژیک، مصر و نیوزیلند

این بار قرعه‌زندگی



مصر و نیوزیلند. گروهی که نه ساده است نه کابوس اما اگر دنبال یک واژه دقیق باشیم، شاید نزدیک‌ترین عبارت «گروه فرصت» باشد. نه از جنس شانس‌های باآآورده، بلکه از نوع پنجره‌هایی که اگر درست باز شود، می‌تواند هوای تازه وارد سال‌های خسته فوتبال ایران کند.

بازی‌ها برنامهریزی شده دقیق، تاریخ‌خار و حساب‌شده روزهایی که اکنون در تقویم هر هواداری را با مزیک قرمز خط می‌خورد. ۴ سال پیش، حسرت هنوز داغ بود، شکست‌ها هنوز گوشه ذهن می‌سوخت اما حالا هوایی متفاوت در اردو می‌پیچد. آنچه امروز منتشر شده فقط یک جدول نیست؛ نقشه راهی است برای رویایی که چند دهه پشت در مانده: صعود از گروه در جام جهانی. شروع کلر برابر نیوزیلند خواهد بود. ۲۵ خرداد ۱۴۰۵، شبی که احتمالا استادبومی در کالیفرنیا با سیاتل برای نخستین بار صدای «ایران ایران» را در جام تازه‌گسترش یافته جهانی خواهد شنید. حرف آغازین، برای خیلی‌ها مثل یک موهبت است. همیشه بازی اول، گل اول، ۳ امتیاز اول و قدم اول مهم‌ترین لحظه هر تورنمنت است. روی کاغذ، نیوزیلند ضعیف‌ترین تیم گروه است اما فوتبال نه کاغذ می‌فهمد نه رنکنیک، اگر ایران با تمرکز و اعتماد وارد زمین شود، این مسابقه می‌تواند شبی باشد برای تثبیت اطمینان. نه صرفا کسب ۳ امتیاز، بسیاری از تحلیلگران باور دارند شروعی پر قدرت برابر نیوزیلند می‌تواند راه را برای ۲ دوتل سنگین‌تر هموار کند، درست مثل گل اول یک مهاجم که طلسم را می‌شکند.

چند روز بعد، ۳۱ خرداد ۱۴۰۵ تقویم به رنگ دیگری درمی‌آید؛ مقابل بلژیک؛ حساس‌ترین مسابقه ایران برابر قدرتمندترین تیم گروه.بلژیک دیگران تیم ترسناک نسل طلایی دهه گذشته نیست اما هنوز استخوان‌دار است؛ تیمی با تجربه، با ذهنیت توفیق در تورنمنت‌ها. محل بازی احتمالا یکی از ۲ نقطه مهم فوتبال قاره آمریکای شمالی خواهد بود، سوفای کالیفرنیا یا بی‌سی پلیس ونکوور. هر ۲ ورزشگاه برای فوتبال مثل سالن اپرای کلاسیک هستند؛ شیک، پر نور، مجهز و با ظرفیت‌هایی که می‌تواند صدای هواداران را چند برابر کند. نبرد با بلژیک در چنین فضایی یعنی فینالی در میانه مسیر. برز، رؤیا را چاقی‌تر می‌کند. مساوی، معادله را زنده نگه می‌دارد. شکست؟ حتی آن هم پایان نیست، چون جام جهانی جدید قانونش فرق دارد؛ تیم سوم هم بلیت احتمالی

مرحله بعد را در جیب دارد. و بالاخره بازی آخر؛ ۵ تیر ۱۴۰۵ مقابل مصر. تیمی پر از خاطره برای فوتبال آسیا، پرافتخار در آفریقا اما در دوره گذار. مکان بازی یا لومن فیلد سیاتل خواهد بود یا بی‌سی پلیس کانادا. هر دو احتمال، تصویری جذاب از پرچم‌های سرخ/سفید، سبز در سسکوهای غرب جهان می‌سازد. روز آخر همیشه روز حساب است؛ گاهی جشن، گاهی حسرت اما این بار امید به جشن بیشتر است. بسیاری می‌گویند اگر ایران بتواند از ۲ مسابقه نخست دست پر خارج شود، دیدار با مصر بیشتر شبیه دروازه تاریخ خواهد بود تا نبرد مرگ و زندگی.

با افزایش تیم‌ها به ۴۸، راه برای آرزوهایی که پیش‌تر محال می‌نمود، باز شده. سال‌هاست جمله‌ای مثل ورد تکرار می‌شود: «صعود از گروه غیرممکن نیست» اما هیچ وقت مثل امروز این جمله به واقعیت نزدیک نبوده. ترکیب رقبای فاصله نسبی سطح تیم‌ها و رشد نسلی که زیر بار فشار رقابت با تیم‌های قدرتمند آسیا پوست‌کلفت شده، همه وعده شبی را می‌دهند که شاید صفحات کتاب فوتبال ایران دوباره ورق بخورد.

فرصت تاریخی تیم ملی

حالا زمانش است

همیشه احترام می‌آورد اما سال‌هاست جثه‌اش بزرگ‌تر از توان واقعی‌اش دیده می‌شود و نیوزیلند که باید آن را فرصت شروع بدانیم نه تهدید. جام جهانی قبل نشان داد نتیجه روز بازی رقم می‌خورد، نه بر اساس اسم روی پیراهن. پس اگر باهوش باشیم، از همان روز اول می‌شود جدول را به نفع خود چید. ۲- برخی می‌پرسند برای جام جهانی آماده‌ایم؟ مستعدم اگر قضاوت را به امروز محدود کنیم، هنوز کار داریم. همه چیز سنگی دارد به اینکه تا خرداد ۱۴۰۵ چقدر پوست بیندازیم. مصدومان باید برگردند، سردار آزمون‌گن در ریتم گلزنی باشد و عزت‌اللهی در همان سطح جگندگی همیشه‌گی بازی کند. تیم آرام می‌گیرد از طرف دیگر، بچه‌های تازه‌فلس مثل حسین گوفرزی مدافع چپ استقلال دارند زیر پوست تیم راه باز می‌کنند.فوتبال به جوان‌گراها رحم می‌کند؛ فقط باید به جای ترس، از آنها استفاده کرد.

گاهی تقویم فوتبال یک جمله کوتاه در گوش آدم می‌خواند: «بیا حالا، یا هیچ وقت» و من همین را سرآبراه جام جهانی بیش رو می‌گویم. این بار باید دست در دست ملی نگذاریم و به جلو هلش دهیم. جام جهانی ۲۰۲۶ برای ایران فقط یک تورنمنت نیست؛ فرصتی است که اگر از آن استفاده نکنیم، خودمان را سال‌ها سرزنش خواهیم کرد.

۱- گروه ما این بار «گروه مرگ» نیست. نه اینکه راحت باشد اما از آن جنس سیرهای است که اگر مرد راهش باشیم، جشنش را هم در خیابان می‌گیریم. ۳ تیم روبه‌روی‌مان هستند: بلژیک با تجربه اروپایی و فوتبالی ساختارمند، مصر که ناشم



داریی ۱۰۶ پایتخت در اراک با آب و هوایی مطلوب برگزار شد. همه چیز برای انجام یک دیدار جذاب آماده بود اما بر خلاف کری‌های ۲ تیم و با وجود ستاره‌های ریز و درشت، این‌داریی نیز هیچ آورده‌ای برای فوتبال ما نداشت. نه بازی نمره قبولی گرفت و نه اخلاق پیروز شد و نه نتیجه کمکی به تیم‌ها کرد. این دیدار صفر مطلق بود و هیچ نشانه‌ای از بازی در سطح لیگ برتر نداشت. ۲ تیم آمده بودند که ابتدا گلی دریافت نکنند و نیازند؛ اگر قضا و قدری هست، طی یک توپ لو دادن یا ضدمحله پای‌شان به هجده قدم حریف برسد و اگر توانای داشتند به گلی هم برسند.

نه پرسپولیس تاکتیک و برنامه‌ای داشت و نه استقلال. هر کدام یکی دو موقعیت داشتند که مهاجمان آنها حرف برای گفتن نداشتند؛ حیف از قراردادهایی که با آنها بسته شده. نه خبری از درخشش اوریه و ارونوف بود، نه آسانی و حدادی. اصلا این بازیکنان در زمین دیده نشده‌اند و بود و نبودشان هیچ تأثیری روی روند بازی نداشت. آن همه زوم کردن روی این بازیکنان بیهوده بود.



سپایننتو با اصرار و رساندن منیر به داریی چیزی عایدش نشد چرا که هم بازیکن ترس از مصدومیتش داشت و هم انقدر بازی کند و بی‌هدف دنبال می‌شد که ستاره آبی‌ها نمی‌توانست همنای باشد که انتظار می‌رفت. آسانی بار همیشگی منیر و ستاره بی‌چون و چرای آبی‌ها تا اینجا ی فصل هم در دام مدافعان حریف افتاده بود و نتوانست نه دفاع پرسپولیس را دور بزند و نه بازی همیشگی خودش را انجام دهد. این یعنی زنگ خطر برای سرمربی پر تعالای استقلال که در دیدار آینده ممکن است با چنین مشکلی مواجه شود، یارگیری رقبایا آسانی و خارج کردن او از بازی، استقلال را زمینگیر می‌کند. اتفاقی که بار دیگر نشان داد سپایننتو متکی به ستاره‌هاست، از طرفی استقلال در این دیدار دست به تغییرات زیادی نزد و چهارپنجم تعویض‌ها انجام شد. شاید آمدن اسامی و رضاییان



داریی چیزی عایدش نشد چرا که هم بازیکن ترس از مصدومیتش داشت و هم انقدر بازی کند و بی‌هدف دنبال می‌شد که ستاره آبی‌ها نمی‌توانست همنای باشد که انتظار می‌رفت. آسانی بار همیشگی منیر و ستاره بی‌چون و چرای آبی‌ها تا اینجا ی فصل هم در دام مدافعان حریف افتاده بود و نتوانست نه دفاع پرسپولیس را دور بزند و نه بازی همیشگی خودش را انجام دهد. این یعنی زنگ خطر برای سرمربی پر تعالای استقلال که در دیدار آینده ممکن است با چنین مشکلی مواجه شود، یارگیری رقبایا آسانی و خارج کردن او از بازی، استقلال را زمینگیر می‌کند. اتفاقی که بار دیگر نشان داد سپایننتو متکی به ستاره‌هاست، از طرفی استقلال در این دیدار دست به تغییرات زیادی نزد و چهارپنجم تعویض‌ها انجام شد. شاید آمدن اسامی و رضاییان

گل نخوردن و استفاده از ضدمحله نداشت. ارونوف هم در این سوی میدان مانند آسانی مهار شد و بازی اوریه هم چنگی به دل نرد. قرمزها در یک مورد بسیار موفق بودند، آن هم مهار آسانی. سایه میلاد سرلک، هافبک دفاعی پرسپولیس روی سر آسانی سنگینی می‌کرد و اجازه خوندنمایی به ستاره آلبانیایی و گلزن آبی‌ها نمی‌داد. بازی به قدری کند دنبال می‌شد که همه منتظر شنیدن سوت داور به نشانه پایان بازی بودند. واضح بود مربیان ۲ تیم بیش از آنکه به دنبال پیروزی و کسب ۳ امتیاز بازی باشند، برخلاف تفکر

جایزه صلح فیفا آخرین اختراع اینفانتینو برای خوشامد ترامپ

چاپلوس در حد جام جهانی!

نام او را برد، ترامپ با همان زست آشنا از جا برخاست، فلاش‌ها برق زدند و دوربین‌ها زوم کردند. صحنه‌ای تئاتری که بیشتر از صلح، بوی خوندنمایی می‌داد. اگر این جایزه قرار بود نماینده «ارتباط فوتبال و صلح» باشد، انتخاب شخصی جنجالی که خون‌های بسیاری ریخته چرا؟ مگر جهان کم فعال صلح دارد؟ چرا باید نخستین جایزه به کسی برسد که سیاست‌های ضضصلحش سال‌ها موضوع بحث‌وجدل بوده است؟ این پرسش‌ها حالا در فضای مجازی دست‌به‌دست می‌شود.

خیلی‌ها می‌پرسند آیا فیفا می‌خواهد در پرونده‌های سیاسی نقش جدیدی بازی کند یا صرفا تلاش دارد دوستان قدرتمندش را خوشحال نگه دارد؟ تگاهی به ماه‌های اخیر شاید پاسخ را ساده‌تر کند. اینفانتینو چندین بار در

قرعه‌ای که شانس صعود داد

قدر بدانیم!

وقتی گوی‌ها در مراسم قرعه‌کشی جام جهانی ۲۰۲۶ چرخیدند، خیلی‌ها نفس‌شان حبس شد. نام ایران که بیرون آمد، کنار بلژیک، سپس مصر و نیوزیلند، لبخندها آرام‌آرام روی صورت‌ها نشست. راستش را بخواهیم اگر قرار بود آرزویی مخفی در دل هواداران باشد، بسیار شبیه همین ۳ نام بود. برای نسلی که سال‌ها کابوس گروه‌های مرگ را دیده، چنین قرعه‌ای حکم نوازش شانه از سوی بخت را دارد؛ همان‌طور که در شبکه‌های اجتماعی نوشتند: «خدا واقعاً بهمان غل کرد»!

روی کاغذ، بلژیک تیمی است که می‌تواند حکم آزمون اصلی را برای ایران داشته باشد؛ تیمی با ستاره‌هایی شناخته‌شده اما نه به قدرت دوران طلایی دهه گذشته. ۲ حریف دیگر اما قصه متفاوتی دارند. مصر که زمانی با قهرمانی‌های پیاپی در آفریقا لرزه بر تن رقبای می‌انداخت، این سال‌ها در سرازیری افتاده. حتی حضور محمد صلاح هم گاهی مثل چسبی ضعیف است که زخم‌های تیم را نگه داشته اما درمان نکرده. عملکردشان در تورنمنت‌العین هم نشان داد بشدت از آن تیم مقتدر فاصله دارند. یادمان نرود این کشور در تاریخ جام‌جهانی حتی یک برد هم ثبت نکرده.

نیوزیلند اما ساده‌ترین تیم گروه ماست؛ تیمی با انسری، مبارزه‌جو اما فاقد ابزار تاکتیکی برای غلبه بر تیم‌های سطح بالا. ایران بارها مقابل تیم‌هایی با این سبک بازی کرده و معمولا با نظم دفاعی و تجربه بالاتر نتیجه گرفته. اینکه تیم‌لی از رویارویی با نماینده پلی‌آف اروپا هم دور ماند، یعنی از تله احتمالی حریفان دردسراز عبور کردیم.

حالا پرسش بزرگ این است: آیا صعود ایران قطعی است؟ نه! در فوتبال هیچ چیز قطعی نیست اما این‌بار راه اقتدر هموار است که حتی بدبین‌ها هم چند ثانیه سکوت می‌کنند. فرمت جدید جام‌جهانی کمک بزرگی است. از گروه‌های دوازده‌گانه، ۲ تیم اول مستقیم بالا می‌روند. یعنی اگر ایران فقط در حد متوسط خود ظاهر شود، شانس بزرگی برای صعود به عنوان تیم دوم دارد و اگر هم لغزشی رخ دهد، راه سوم باز است؛ تیم‌های سوم برتر هم شانس صعود خواهند داشت. یعنی حتی یک اشتباه بزرگ هم پایان کار نیست.

به زبان ساده: ایران اگر همین تیم سخت جنگ با ستون‌های بانجره باشد، رفتن به مرحله بعد نه رؤیاست، نه شوخی.

امسال قرعه به نفع‌مان بود. باقی ماجرا اما روی چمن نوشته می‌شود. اگر بازی اول را مقتدرانه انجام دهیم و برابر مصر امتیاز بگیریم، جشن تاریخی صعود در خیابان‌های وطن، راه می‌افتد.



چرخاند. اگر آن پاس عمقی زیبا و مدرسه‌ای دقیقه ۸۰، صالح حردانی به اسماعیل قلی‌زاده به نتیجه می‌رسید، شاید قصه داریی فرق می‌کرد. قلی‌زاده در همین ۱۹ سالگی و سن پایین نمایشی ارائه کرد که من

را یاد روزهایی انداخت که بازیکن جوان‌تر از توپ نمی‌ترسید. اینها سرمایه‌اند، باید در تمام فوتبال کشور بویژه تیم ملی هر چه

زودتر به سمت جوانگرایی رفت.

هواداران‌شان آمده بودند بازی را نبازند و کارنامه خود را با یک تساوی ملال‌آور، سفید نگه دارند. از صحنه‌های هر ۲ مربی پس از بازی هم می‌توان کلاما متوجه شد ۲ تیم کاملآ از نتیجه‌راضی بودند و تنها هواداران ۲ تیم بودند که از نوع بازی و نتیجه آن گله داشتند. هوادارانی که از شهرهای دور و نزدیک خود را به اراک رسانده بودند اما نمی‌دانستند قرار است این داریی حساس نیز تبدیل به یک بازی بسیار معمولی و خواب‌آور شود.

استقلال گمان می‌کرد با یک تساوی صدر جدول را همچنان حفظ می‌کند و برای پرسپولیس هم اختلاف یک امتیازی با استقلال اتفاق بدی به حساب نمی‌آمد؛ هر ۲ تیم غافل از آنکه سپاهیان برخلاف سکوت مطلق ورزشگاه امام خمینی اراک، در نقش جهان اصفهان جشن به پا خواهند کرد و با برد مقابل فجر شهید سپاسی به صدر جدول خواهد رسید!

اینک نه استقلال در صدر جدول است و نه پرسپولیس با صدرنشین تنها یک امتیاز اختلاف دارد. حالا قدم‌های بلند برداشته‌سپاهان با ۵ برد پی در پی برای هر ۲ تیم خطر ایجاد می‌کند. در فلاما کرد و خاکش جلوی نتیجه‌شان را گرفته. شاید مساوی بی‌دلیل و بدون هیچ آورده سپایننتو و اوسمار در آینده کار دست‌شان دهد!

کنار ترامپ دیده شده؛ در مراسم تحلیف، در دیدارهای خصوصی، در جشن قهرمانی جام جهانی باشگاه‌ها. حتی در کنفرانس به اصطلاح صلح شرم‌الشیخ‌هر بار دوربین‌ها تصویر ۲ فرد را ثبت کردند که کنار یکدیگر ایستاده‌اند؛ یکی رئیس فوتبال جهان، دیگری سیاست‌مداری که هر روز دروغ‌پردازی و جنجال‌سازی‌ش تیر تر روز است. این همراهی‌ها برای تحلیلگران پیام داشت: روابطی نزدیک‌تر از آنچه در ظاهر دیده می‌شود. حتی بسیاری اشاره می‌کنند فیفا درست پس از رد نام ترامپ از سوی کمیته نوبل، خبر ایجاد این جایزه را اعلام کرد. تصادف است یا پاسخ به ناآکامی؟ وقتی مراسم قرعه‌کشی جام جهانی ۲۰۲۶ و واشنگتن رسید، همه چیز کامل شد. این بار نه جام، نه توپ و نه تیم‌ها در مرکز توجه نبودند؛ عکس یادگاری ترامپ با جایزه در دست، تبدیل شد به لحظه اصلی شب. این خواهد در پرونده‌های سیاسی نقش جدیدی بازی کند یا صرفا تلاش دارد دوستان قدرتمندش را خوشحال نگه دارد؟ اولین جایزه‌ای که کسی نمی‌داند چگونه به یک قاتل بین‌المللی داده شد اما همه می‌دانند اولین برنده جایزه چه کسی بود؛ جایزه صلح برای ایجادکننده آشوب‌های بزرگ!